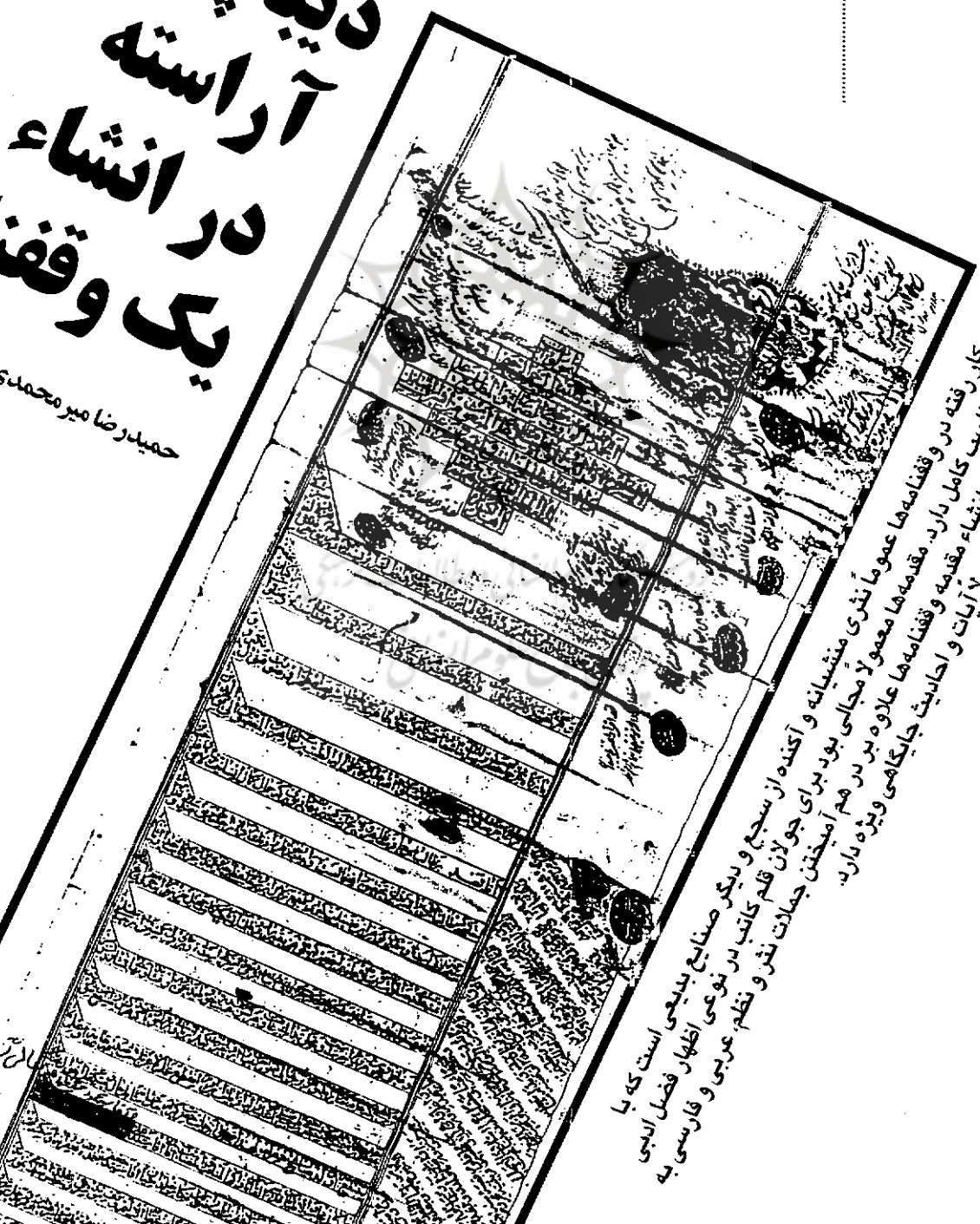


دیباچه ای آراسته در انشاء یک وقفنامه

حمیدرضا میرمحمدی



نثر به کار رفته در وقفنامه‌ها عموماً نثری منشیانه و آکنده از سجع و دیگر صنایع بدیعی است که با مورد وقف تناسب کامل دارد. مقدمه‌ها معمولاً مجامی بود برای جولان قلم کاتب در نوعی اظهار فضل ادبی ایشان بوده است. در انشاء مقدمه و وقفنامه‌ها علاوه بر هم آمیختن جملات نثر و نظم، عربی و فارسی به صورت سجع و موزون معمولاً آیات و احادیث جایگامی ویژه دارد.

لاله زبیده



مقدمه:

شسیوه انشاء و تنظیم وقفنامه‌ها از گذشته‌های دور تا کنون اسلوب خاصی داشته است. نثر و اصطلاحات خاص ادبی، فقهی و حقوقی به کار رفته در نگارش آن موجب شده تا ادبیات خاصی در متن وقفنامه‌ها قابل تشخیص باشد. بی‌آنکه بخواهیم موضوع نگارش وقفنامه‌ها را از سایر بخش‌های ادبیات مجزا کنیم تأکید بر آن داریم که نگارش وقفنامه‌ها با سایر متن‌های رایج در نگارش تاریخ، فرهنگ، اقتصاد، جغرافیا و... یکسان نیست. اصطلاحات خاص دایره جغرافیایی وقف، آیات و احادیث و مضامین ادبی به کار رفته در انشاء وقفنامه‌ها با اندکی دقت حاکی از موضوع مربوط به موقوفه است.

هر وقفنامه معمولاً چند بخش دارد. بخش مقدمه وقفنامه که معمولاً با حمد و سپاس خداوند و صلوات بر پیامبر اکرم و ائمه اطهار آغاز می‌شود و معمولاً با جملاتی همچون «الحمد لله الواقف علی الضمائر» آغاز می‌شود. انگیزه و علت وقف و توضیحات آن، نام و نشان واقف، موضوع، موقعیت و حدود جغرافیایی آن، تاریخ شروع، مصارف و شرایط آن و در پایان نام و نشان و مهر واقف یا واقفان و حواشی و گواهان وقف، بخش‌های مختلف انشاء یک وقفنامه را تشکیل می‌دهد.

نثر به کار رفته در وقفنامه‌ها عموماً نثری منشیانه و آکنده از سجع و دیگر صنایع بدیعی است که با مورد وقف تناسب کامل دارد. مقدمه‌ها معمولاً مجالی بود برای جولان قلم کاتب در نوعی اظهار فضل ادبی ایشان بوده است. در انشاء مقدمه وقفنامه‌ها علاوه بر در هم آمیختن جملات نثر و نظم، عربی و فارسی به صورت سجع و موزون، معمولاً آیات و احادیث جایگاهی ویژه دارد.

مقدمه‌ها با توجه به موضوع وقف با یکدیگر تفاوت دارد. به عنوان نمونه اکثر سنگ‌نوشته‌های موقوفات مقدمه‌های کوتاه و فشرده داشته و کاتب نتوانسته قلم را جولان دهد و سعی شده در جملاتی بسیار کوتاه مقدمه‌ای رسا خلق نماید و یا در مقدمه انشاء وقفنامه کتب وقفی، در خصوص اهمیت علم و دانش در اسلام سخن رفته و حمد و سپاس نثار دربار کریمی عالم و دانا شده است و یا در مقدمه وقفنامه‌های مربوط به ازاضی و باغات سخن از حمد و سپاس خداوندی است که نقوش حکمتش در هر گلبرگی کتاب و دفتر است.

وقفنامه‌ای که بازخوانی آن در پی می‌آید از جمله وقفنامه‌هایی است که نگارنده در مقدمه‌ای ادیبانه موضوع وقفیت یک قطعه باغ را بر روضه‌خوانی سید و سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین (ع) به رشته تحریر در آورده است، این موقوفه در محله پلگوش شهر خوانسار واقع است. محله پلگوش از جمله محلات قدیمی شهر خوانسار و در سمت غرب آن واقع است. لازم به ذکر است که اصل این وقفنامه روی پارچه نگاشته شده و در مرکز اسناد حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) خوانسار نگهداری می‌شود و مربوط به خانواده مرحوم حاج شیخ محمدصادق شاکریان است.

متن وقفنامه

هو الواقف

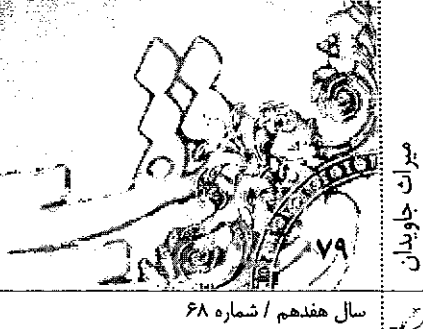
بسم الله الرحمن الرحيم

۷

الحمد لله الواقف على الضامير والمطلع على السرائر والصلوة والسلام على المبعوث من اشرف القبائل والعشائر صاحب المناقب والمفاخر وعلى آله الطيبين الطاهرين هم شفعاء اهل الكباثر.

اولی حمد و سپاس بیرون از پرده وهم و قیاس سزاوار حضرت واقف السرائر است که در طریق معرفتش هر لاله و هر خوار خشکی گلشنی و باغی است و از نقوش حکمتش هر گلبرگی کتابی و هر غنچه دفتری و حسناتی ست و صلوات زاکیات تحفه بارگاه عز و جاه حضرت رسالت پناه شفاعت دستگاه که پیوند طاعت بی وساطت شریعت مطهر او صورت قبول نگیرد و دعای حرمت صلوات استجابت نپذیرد و صلوات الله علیه و علی آله الطیبین الطاهرین المعصومین الی یوم الدین.

اما بعد، بر طالبان سعادت، ظاهر و لایح است که بر بهاتر زیوری که جمال و کمال انسانیت را لایق و فاخر تر خلعتی که طالبان حق را به سر منزل تحقیق راهنماست و آینه خواطر را زنگ زدا، راحله طریق بندگی و تدارک سفر زندگی است و معدن گوهر آن فضیلت کبری و منبع زلال این سعادت عظمی چه تواند بود جز کتاب خدا و آثار ائمه هدی صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین که گوهر یقین را در ظلمات تشکیکات جهل جز به نور این دو چراغ عالم افروز نتوان جست و از رهگذر اینکه سرای فانی دنیا، آدمی را منزلی است و بر او دل بستن از جاهلی و غافللی و چون مزرع آخرت است و محل تدارک عاقبت و هر کس به قصد همت خود باید تخمی در او فشانند و نهالی نشانند پس سبزترین کشتی که عاقبت به کار آید و خرمترین نهالی که در آخرت به بار آید چیز بیست که ثمر آن باقی و برقرار بوده باشد که هر کس از این منتفع شود پس به مضمون حدیث میمنت مشحون حضرت ختمی مآب صلی الله علیه و آله «اذا مات ابن آدم انقطع عمله الا عن ثلاث، صدقة جاریة او علم ینفع به او ولد صالح یتستغفر له» لهذا توفیق از جانب حضرت کریم جل شأنه شامل حال و متکفل احوال جنابان، سلیل الانجاب و الاطیابان، قدسی القابان، ذاکر المناقب و المصائب، آقائی آقا سید علی^۱ و آقا سید محمود^۲ حفظهما الله تعالی گردیده حسب الوصیه والدینشان مرحمت مآب غفرانا یاب، رضوان مکان، خلد آشیان آقا سید جعفر^۳ تقدمه الله بغفرانه و اسکنه الله جناته حاضر شدند و قرینه الی الله و طلبا لمرضاته الکریم و هربا من عقابه الالیم وقف مؤید شرعی و حبس مخلص اسلامی نمودند همگی و تمامی یکقطعه باغ معنوب مشجر الحواشی که تحقیقا کل قطعه چهار قفیز^۴ می باشد با کافه ملحقات شرعی از ممر و مدخل و شرب و نهالات جوز مغروسه در آن، واقعه در محله پلگوش تحت نهر افیونچه^۵ جنب عمارت موروثی واقفان که بی نیاز از ذکر حدود و بیان است بر جناب ابی عبدالله الحسین علیه الصلوة والسلام که آنچه را حضرت واهب العطا یا جل شأنه عطا بفرماید سه سهم نموده یک سهم از منافع آن را صرف و خرج روضه خوانی و مصیبت سیدالشهداء علیه آلاف التحية و الثناء نموده و یک سهم از منافع آن را حق التولية مقرر نموده و سهم دیگر آن را صرف خود باغ نموده. به انضمام دو اصله نهال جوز نابته در کنار باغ جدید النبال امیرزا آقا ربیع محاذی و جنب یکدیگر تحت نهر مزبور که اغصان و فروع آنها می رسد به باغ مرقوم و به شارع عام و خاص ورثه مرحوم آقا ربیع با کافه ملحقات آنها که منافع و مداخل آن یک سهم حق التولية می باشد و دو سهم آن باید مخارج و صرف مصیب ابی عبدالله علیه السلام شود با یک سهم از منافع و محصول باغ و تولیت آنها را مفوض داشتند به نفس خود مستقلا مادام حیا و بعد به ارشد اولاد ذکور هر یک، هر کدام که ازهد و اورع و اصلح می باشد نسلا بعد نسل عقباً بعد عقب الی ان یرث الله الارض و من علیها و بعد الفقدان و الاتقراض به ارشد اولاد ذکور احقر السادات سید حسن عموزاده واقفان ماتوالدوا و تناسلوا و بعد اتقراضهم عیاذ بالله به ازهد و اعلم و اورع طلاب و محصلین علوم دینیّه قصبه محروسه خوانسار. وقفا صحیحا شرعیاً و حسباً مخلدا دینیا اسلامیا بحیث لا یحل لمن یؤمن بالله و الیوم الآخر ان یعمل فیها ما ینافی الوقفیة من البیع و الصلح و الرهن و نحوها فمن غیره بعد ما وصله الوقفیة و بدله ما سمعه (فانما ائمه علی الذین یدلونهم)^۶ بسخط و قدباء من الله العالمین و علیهم لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعین من الیوم الی یوم الدین و بجمیع ذلك وقع



الاشتهاد و الله رؤوف بالعباد و كان ذلك تحريراً في شهر دهم شهر ذى الحجة الحرام من شهر سنة ۱۲۹۹ من الهجرة النبوية و حرر في غره صبط.
[مهر:] علی ابن جعفر الموسوی [مهر:] الواثق بالله الغنی محمود بن جعفر الموسوی

بی نوشت‌ها

۱. هنگامی که انسان بعیرد اعمال او قطع می‌گردد مگر سه عمل: صدقه جاریه، علمی که به وسیله آن نفعی (سودی) به مردم رسد و یا فرزند صالحی که باعث آموزش او گردد.
۲. مرحوم آقا سید علی فرزند آقا سید جعفر متوفای ذیحجه الحرام ۱۳۰۵ق می‌باشد مدفن ایشان در قبرستان موسوم به قبرستان یا قلعه در شهر خوانسار واقع و بر سنگ مزارش این اشعار حک شده است:
مهر شه دین عطیه لم یزلی است ز آن مهر دلم مشرق انوار جلیست
فیضی که ز لطف حق مرا شد روزی آن دوستی علی و اولاد علی است
۳. مرحوم آقا سید محمود فرزند آقا سید جعفر متوفای ۲۶ محرم الحرام ۱۳۳۰ق مدفون در قبرستان یاقلعه خوانسار می‌باشد. مرحوم صدر المشایخ متخلص به اختر اشعاری در رباعی این عالم بزرگ سروده که بر سنگ قبر ایشان حک شده و ابیاتی از آن چنین است:

زین جهان سوی جنان یا قبله و اصحاب رفت
از تن اهل زمان صبر و سکون و تاب رفت
فخر اولاد رسول و قطب احرار بتول
آسمان زهد و تقوی شمس شیخ و شاب رفت
مظهر سلمان و بوذر مظهر شرع نبی
منبع مجد و کرامت زینت محراب رفت
آه آه از گردش وارون چرخ کج مدار
کز جهان این نور روشن رأی عالمتاب رفت
بهر تاریخ وفاتش کلک اختر زد رقم
باز زیب جود و مجد و منبر و محراب رفت [۱۳۳۰]
و نیز در ماده تاریخ دیگری چنین سروده است:
سال تاریخ وفاتش گفت اختر با فغان
«رفت سلمان زمان با جد امجد در جنان» [۱۳۳۰]

۴. مرحوم آقا سید جعفر موسوی (میر اشرف) از اجداد سادات محترم میر اشرفی خوانسار است که در هنر تذهیب و خط در عصر خود استادی کامل بوده و آثار گرانهایی از ایشان باقی مانده است. ایشان در مسیر تشرف به مکه معظمه به جواز رحمت حق پیوست. آنچه مسلم است تا تاریخ ۱۲۸۴ق در قید حیات بوده است.
۵. جریب رایج در بین زارعین نهر (افیونچه) در خوانسار که موقوفه یاد شده از آن مشروب می‌شود برابر با ۱۴۴۰ متر است. هر جریب ده قفیز و بنابراین ۴ قفیز برابر با ۵۷۶ متر مربع می‌باشد.
۶. نهر افیونچه یکی از انهار یازده‌گانه جاری در شهر خوانسار است که بخش‌های غربی شهر را مشروب می‌سازد علت نامگذاری این نهر به (افیونچه) ظاهراً به علت کشت تریاک در زمین‌های کشاورزی آن در گذشته بوده است نام دیگر این نهر «نهر ملیچه» است.
۷. یخشی از آیه ۱۸۱ سوره بقره: پس هر کسی آن را بعد از شنیدنش تغییر دهد گناهش تنها بر کسانی است که آن را تغییر می‌دهند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. میرمحمدی، حمیدرضا، اختران فروزان (تذکره القبور)، انتشارات ارمغان قلم، ۱۳۷۸.
۳. همو، جغرافیای خوانسار، جلد اول، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۴. همو، جغرافیای خوانسار، جلد دوم، دفتر کنگره بزرگداشت علامه آقا حسین خوانساری، قم، ۱۳۷۸.
۵. کشوری، احمدرضا، فرزندگان خوانسار، دفتر کنگره بزرگداشت علامه آقا حسین خوانساری، قم، ۱۳۷۸.
۶. ابن الرضا، سید مهدی، ضیاء الابصار، انتشارات انصاریان، قم، ۱۳۸۶.